

قابل توجه مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی؛

انتظارت کارگران از سازمان تامین اجتماعی

همه مشکلات به سخت و زیان آور یا بازنشستگی پیش از موعد محدود نمی شود؛ سازمان وظایف گاه به گاهی و ادواری خود در قبال بیمه شدگان را نیز به درستی و سروقت انجام نمی دهد.

به گزارش خبرنگاران گروه جامعه گزارش خبر، کارگران به عنوان «بیمه شدگان اصلی» در برابر سازمان تامین اجتماعی، از یکسو مسئولیت هایی دارند و از سوی دیگر، از یکسری حقوق بهره مندند؛ در حالیکه مسئولیت های کارگران اجباری ست و راه فراری از آنها نیست، حقوق بیمه ای آنها معمولاً به رسمیت شناخته نمی شود.

برای مثال، کارگران هرگز نمی توانند از پرداخت حق بیمه ماهانه که مبلغ ناچیزی هم نیست، شانه خالی کنند؛ آن دسته از کارگران که در کارگاه های رسمی کار می کنند، یک سوم حقوق شان ماهانه به صورت خودکار و اجباری، بابت کلیه خدمات بیمه ای اعم از درمان، ازکارافتادگی، بیماری و بازنشستگی کسر می شود. حتی کارگرانی که ماهیت کارشان فصلی است مانند کارگران ساختمانی، یک محدوده زمانی مشخص برای پرداخت حق بیمه دارند و تجاوز از این محدوده به معنای قطع شدن کامل خدمات بیمه ای است. اما آیا کارگران همانطور که مسئولیت های بیمه ای خود را به موقع و سر وقت انجام می دهند، از حقوق بیمه ای مناسب و درخور بهره مند هستند؟

احسان سهرابی (دبیر کانون همبستگی شوراهای اسلامی کار استان خراسان رضوی)، مسئولیت های سازمان تامین اجتماعی در قبال کارگران بیمه شده را برمی شمارد؛ او ابتدا تاکید می کند که سازمان فقط در زمینه پرداخت مستمری به بازنشستگان مسئولیت ندارد بلکه یکسری وظایف در قبال کارگران شاغل دارد که معمولاً در انجام این وظایف قصور می شود.

سهرابی می گوید: سازمان تامین اجتماعی، تنها سازمان ناظر بر تامین «امنیت اجتماعی» برای بیش از نیمی از جمعیت کشور است اما آیا به این وظیفه ای اساسی و حاکمیتی عمل می کند؟ باید بپذیریم که سازمان تامین اجتماعی، یکی از بالاترین نرخ های وصولی را حتی در میان کشورهای توسعه یافته دارد اما آیا بیمه شدگان از ارائه خدمات سازمان رضایت دارند؟ درآمد ها کجا می رود؟

او به موارد متعددی از تخلفات زیرپوستی و عرفی در سازمان اشاره می کند؛ مسائلی مانند «نیم عشر اجرایی» که سازمان در هنگام اجرای احکام تخلفات بیمه ای برای هر پرونده وصول می کند؛ چرا باید نیم عشر اجرائی جزو هزینه های سازمان لحاظ شود، نه درآمدها و مابین کارمندان تقسیم شود، در صورتیکه در قوه قضائیه جزو درآمدها محسوب می شود؟! حال چرا با توجه به درآمد نسبتاً مطلوب تامین اجتماعی، کارگران ساختمانی محروم از بیمه شدن هستند؟ کارگرانی که از قبیل آنان از شهرداری منابع مالی قابل توجهی دریافت می شود ولی متأسفانه این منابع، تخصیص صحیحی ندارد و جهت بیمه شدن کارگران که حدود ۷۰۰ هزار نفر در کشور هستند، صرف نمی شود؛ آیا سهم درآمدی سازمان در هر استان نباید در همان استان هزینه شود؛ متأسفانه با توجه به عملکرد ضعیف مدیران استانی، این مهم هرگز تحقق نیافته است.

چرا با «فرارهای بیمه ای» برخورد جدی نمی شود؟

هنگامی که بحث «درآمدهای سازمان» می شود، همیشه معضل «فرارهای متعدد بیمه ای» را پیش می کشند اما هیچ زمان رویکرد مناسب و سختگیرانه ای برای مقابله با این فرارهای مکرر و متعدد اتخاذ نمی شود.

سهرابی در این رابطه می گوید: چرا مدیران استان های سازمان با تخلفات بیمه ای کارگاه های بالای ۵۰ نفر با مسامحه برخورد می کنند؛ با اینکه در رسانه ها فریاد عدم توازن درآمدها و مصارف را سرمی دهند و این مساله را بزرگترین مشکل سازمان معرفی می کنند، این سکوت معنادار در برخورد با تخلفات، جای تامل بسیار دارد؛ شاید سازمان به مدیران چابک و مقتدر نیاز دارد تا بتوانند با جدیت با تخلفات کارفرمایان برخورد کنند و همه منافذ فرار را ببندند.

به گفته وی، یکی دیگر از معضلات، مدیرانی ست که سقف مستمری را می گیرند و حتی وارد فاز ۳۰ سال دوم بازنشستگی شده اند؛ با توجه به شرایط مالی صندوق و گزارشاتی که تحت عنوان سوت زنی انجام می شود، سکوت سازمان عجیب است، سکوتی که موجب خسران برای شاغلان و بازنشستگان می شود.

چرا اثبات «سخت و زیان آور بودن شغل» این چنین دشوار است؟

یکی از مهم ترین دشواری های کارگران با سازمان تامین اجتماعی، اثبات سخت و زیان آور بودن شغل و استفاده از مزایای سختی کار از جمله بازنشستگی پیش از موعد است. سهرابی می گوید: مشکلات کارگران در مشاغل سخت و زیان آور بسیار است؛ کارگرانی که طی بیست سال کار صادقانه دچار آسیب های جسمی فراوان شده اند، باید از هفت خوان رستم عبور کنند تا بتوانند بازنشستگی بگیرند چرا که سازمان بابت ۴ درصد، سخت و زیان آور کارگر را گروگان می گیرد و او را بازنشست نمی کند و این در حالیست که وصول مبلغ بیمه، جزو وظایف ذاتی سازمان تامین اجتماعی است که نص صریح قانون نیز به آن اشاره شده است؛ قصور مدیریتی را که کارگران نباید جور بکشند!

او با بیان اینکه «عدم شفاف سازی و ندادن اطلاعات به کارگران، یک مشکل اساسی است» ادامه می دهد: کارگران پس از ۲۰ سال وارد پروسه دادخواست سخت و زیان آور می شوند؛ کارگر بر مبنای شغل، شکایت خود را مطرح می کند؛ این شکایت پس از تایید در کمیته های بدوی و تجدید نظر سخت و زیان وارد مرحله اجرا می شود که تازه اینجا قصه ای درام سازمان تامین اجتماعی آغاز می شود؛ اینجا کارگر باید سخت و زیان آوری شغل خود را اثبات کند؛ در حالیکه می توان ابتدا استعلام از عناوین شغلی از تامین اجتماعی اخذ شود بعد طرح دادخواست شود تا کار کارگر تسهیل گردد؛ باید پرسید مگر گره انداختن در کار مردم لذت دارد؟

چرا کارگران «هزینه» می پردازند؟

همه مشکلات به سخت و زیان آور یا بازنشستگی پیش از موعد محدود نمی شود؛ سازمان وظایف گاه به گاهی و ادواری خود در قبال بیمه شدگان را نیز به درستی و سروقت انجام نمی دهد؛ سهرابی به چند نمونه اشاره می کند: در خصوص غرامت بیماری ها یا غرامت ایام بارداری نیز معطلی کارگران بسیار

است؛ مسئولین سازمان تامین اجتماعی اعلام می‌کنند با ارائه خدمات توسط eservis، مبالغ ماهیانه به حساب بیمه شده واریز می‌شود که مصداق داریم بیش از ۳ ماه گذشته است ولی هنوز ریالی توسط سازمان پرداخت نشده است.

این فعال کارگری در ادامه تاکید می‌کند: پرداخت حق بیمه، وظیفه‌ی کارفرماست و وصول به موقع آن، وظیفه‌ی سازمان تامین اجتماعی؛ با این حساب، هیچ مسئولیتی در این زمینه بر عهده کارگر نیست و نباید جور تاخیر کارفرما یا تخلفات احتمالی او را کارگر بکشد؛ این نکته‌ای است که در روابط بیمه‌ای ایران اساساً نادیده گرفته می‌شود؛ کارگری که در زمان اشتغال هر ماه یک‌سوم حقوق‌اش کسر و به حساب سازمان می‌شود، باید از «تمام خدمات اجتماعی» به موقع، به اندازه و مکفی بهره‌مند باشد. کفایت به ماده ۳۶ قانون تامین اجتماعی رجوع کنیم تا دریابیم، صفر تا صد مسئولیت بیمه‌پردازی برعهده‌ی کارفرماست و اگر مکفاتی هم قرار است در کار باشد، باید دامن خود کارفرما را بگیرد. در عین حال، تاخیر کارفرما، رافع مسئولیت‌ها و تعهدات سازمان در قبال بیمه شده نیست؛ این عبارت به عینه در متن صریح ماده ۳۶ آمده است؛ اما سوال اینجاست که چرا همیشه کارگران هزینه می‌پردازند؟!

منبع: ایلنا